# مبارزه
# امام صادق علیه السلام
# با بدعت صوفیگری

داود الهامی


بسم الله الرحمن الرحيم

# مبارزه امام صادق ( علیه السلام ) با بدعت صوفیگری


نویسنده:

داود هامی



ناشر چاپی:

نشریه درسهایی از مکتب اسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

## مبارزه امام صادق (ع) با بدعت صوفیگری

### مشخصات کتاب

نویسنده : داود الهامی

ناشر:مجله درسهایی ازمکتب اسلام، شماره ۳۷۲، فروردین ۷۱

### مبارزه امام صادق با بدعت صوفیگری

عصر امام صادق (ع) عصر پیدایش افکار و عقاید گوناگون در میان مسلمانان است، در زمان آن حضرت برخورد میان آراء و عقائد گوناگون در پیرامون مسائل مختلف در نهایت شدت رواج داشت. امام صادق (ع) به روش معتدل خود در مراقبت از رسالتی که درباره شیعه بر عهده داشت، ادامه می داد و آن عبارت بود از استقلال در عقیده و دوری جستن از اختیار یکی از آراء و عقاید افراطی و برتری دادن آن بر دیگر عقائد، چنانکه جامعه اسلامی آن عصر بدین گونه رفتار می کرد. در زمان امام جعفر صادق (ع) نهضتهای دینی و احتجاجات مذهبی به شدت جریان داشت، شیعیان امامیه در این عصر از طرفی با فرق شیعه مانند کیسانیه و زیدیه و غلات و از طرف دیگر با طرفداران ابوحنیفه و زنادقه و دهریون و معتزله مناظره می کردند و درباره مشکلات مسائل دین به آن حضرت مراجعه می نمودند. امام (ع) طبق رسالتی که به عهده داشت با هرگونه افکار و عقاید انحرافی مبارزه می کرد و به شیعیان خود عقائد صحیح اسلامی را تعلیم می داد و آنها را از هر گونه افکار انحرافی و عقائد باطل بر حذر می داشت. یکی از انحرافات و بدعتهائی که در زمان امام صادق (ع) در میان مسلمانان پیدا شد، مسئله تصوف و صوفیگری است. دانشمندان و مورخان و حتی نویسندگان خود صوفیه نیز نوشته اند که تا آن زمان نامی از تصوف و صوفیگری نبود و کسانی که به دین بسیار علاقه نشان می دادند، عُبّاد و

زُهّاد خوانـده می شدند، تا اینکه در زمان امام صادق (ع) اسم صوفی و طریفه تصوف پیدا شد و عده ای از خواص اهل سـنت نام صوفی را بر خود نهادند و نخستین کسانی که وی را صوفی خواندند، ابوهاشم کوفی بود و پیش از وی کسـی را به این نام نخوانده بودند [۱] مولـف «طرائق الحقـائق» او را موسـس صوفیه لقب داده و او معاصـر امـام جعفر صـادق (ع) بوده است [۲] . ابوهـاشم اهـل شـام بود که مرکز دشـمنان آل محمـد (ص) بوده و لبـاس پشم در بر می کرد و همچنین اول خانقـاهی که برای صوفیان بنا کردنـد در «رمله» شام بود که به وسـیله یک امیر ترسا و نصـرانی ساخته شـده بود [۳] . در آن زمانی که بسـیاری از بزرگان و اعلام اهل سـنت، فریفته سـخنان به ظاهر فریبنـده صوفیان بودنـد و چه بسا خود نیز به صوفیگری و تصوف تظاهر می نمودند، امام صادق (ع) به خطرات این فکر انحرافی واقف بود، و به مبارزه آن برخاسته بود در کتب معتبر روایت کرده اند که از حضـرت امام حسن عسـکری (ع) که فرمود از امام صادق (ع) از حال ابوهاشم کوفی صوفی سـئوال کردنـد، امام فرمود: «انّه فاسـد العقیـده جـداً و هو الـذّی ابتـدع مـذهباً یقال له التّصوف و جعله مفرّاً لعقیدته الخبیثه» [۴] (او جـداً فاسـد العقیده است، به بـدعت مذهبی را اختراع کرد که به آن تصوف گفته می شود و آن را به سوی عقیده ناپاک خود محل فراری قرار داد) از این روایت معلوم می شود که بنیانگذار مسلک تصوف ابوهاشم کوفی صوفی است. در روایت

دیگر آمـده است که مردی به امام صادق (ع) عرض کرد در این زمان قومی پیـدا شده اند که به آنها صوفی می گویند درباره آنها چه می فرمائید؟ امام فرمود: انّهم اعدائنا فمن مال الیهم فهو منهم و یحشـر معهم و سیکون اقوام یّدعون حبّنا و یمیلون الیهم و یتشبّهون بهم و یلقّبون انفسـهم بلقبهم و یـاءوّلون اقوالهم الا ـفمن مـال الیهم فلیس منّا و انّا منه برآء و من انکرهم و ردّ علیهم کان کمن جاهـد الکّفار بین یـدی رسول الله (ص) [۵] . یعنی: صوفیها دشـمنان ما هسـتند پس هرکس به آنان میل کنـد که از آنـان است و بـا آنان محشور می شود و به زودی کسانی پیـدا می شونـد که ادعای محبت ما را می کننـد و به ایشان نیز تمایل نشـان می دهنـد و خود را به ایشـان تشبیه نموده و لقب آنان را بر خود می گذارنـد و سـخنانشان را تاویل و توجیه می نماینـد، بدانکه هر کس به ایشان تمایل نشان دهد از ما نیست و ما از او بیزاریم و هرکس آنان را رد و انکار کند، مانند کسی است که در حضور پیامبر اکرم (ص) با کفار جهاد کرده است. از این روایت چنـد مطلب اسـتفاده می شود: ۱ــ تا زمان امام صادق (ع) در میان مسـلمانان صوفی و درویش نبوده و از آن به بعد پیدا شده است، پس اگر کسـی اصـحاب پیامبر و امیرمومنان علی (ع) را صوفی نـام بگـذارد، دلیل بر بی اطلاعی او است. ۲ــ این خبر کرامتی از امـام صـادق (ع) است که از ساده لوحان زمان خبر می دهد در آنجا که

می فرماید ادعای محبت ما می کنند و به دشمنان ما مایل هستند مراد صوفیان به ظاهر شیعه می باشند، که دعوی محبت اهل بیت پیامبر می نمایند. ۳_ لقب صوفی را بر خود می گذارند و طرز رفتار و ظواهر حال خود را به آنها تشبیه می نمایند. ۴_ آنکه فرمود گفتار ایشان را که کفر و فسق است، تاویل می کنند مثلاً شعر عاشقانه می گویند و دم از شراب و مطرب و ساقی می زنند تاویل گران می گویند مقصود عشق خدا و علم و نماز و امام است! در آن زمانی که صوفیان ریاکار زاهد نما به خود اجازه می دادند از قول و عمل هر کسی که برخلاف مذاق آنها بود، به شدت اعتراض و انکار نمایند و گستاخی را به جائی رسانده بودند که حتی ائمه اطهار (ع) نیز از اعتراض و انکار آنها در امان نبودند، و هیچکس در برابر اعتراض آنها جز تسلیم چاره ای نداشت، این تنها امام صادق (ع) بود که چنان با منطق محکم رشته های آنها را پنبه کرد و چنان سلاح از دست آنها گرفت که آنها از کار خود پشیمان شدند. سفیان ثوری که از بنیانگذاران تصوف بشمار می رود، روزی بر امام صادق (ع) وارد شد امام را دید جامه ای سپید و لطیف بر تن کرده است، به عنوان اعتراض گفت: این جامه سزاوار تو نیست، تو نمی بایست خود را به زیورهای دنیا آلوده سازی امام به او فرمود: «اسمع منی وع ما اقول لک فانه خیر لک عاجلاً و آجلاً ان انت مت علی السنه و الحق

و لم تمت علی بدعه». خوب گوش کن که از برای دنیا و آخرت تو مفید است، اگر راستی اشتباه کرده ای و حقیقت نظر دین اسلام را درباره این موضوع نمی دانی، سخن من برای تو بسیار سودمند خواهد بود، و اما اگر منظورت این است که در اسلام بدعتی ایجاد کنی حقایق را منحرف و وارونه سازی مطلب دیگری است و این سخنان به تو سودی نخواهد داشت. ممکن است تو وضع ساده و فقیرانه رسول خدا و صحابه آن حضرت را در زمان خودش در نظر خود مجسم سازی و فکر کنی که آن یک نوع تکلیف و وظیفه ای برای همه مسلمانان تا روز قیامت هست اما من به تو می گویم که رسول خدا (ص) در زمانی و محیطی زندگی می کرد که فقر و سختی و تنگدستی بر آن مستولی بود عموم مردم از داشتن لوازم ضروری زندگی محروم بودند، وضع خاص زندگی رسول اکرم (ص) و اصحاب آن حضرت مربوط به وضع عمومی آن روزگار بود. اما اگر در عصری وسائل زندگی فراهم شد، سزاوارترین مردم برای بهره بردن از نعمتها، نیکان و صالحانند نه فاسقان و بدکاران، مسلمانان نه کافران. ای سفیان! تو چه چیز را بر من عیب شمردی؟ به خدا قسم من در عین اینکه می بینی که از نعمتهای الهی استفاده می کنم، از زمانی که به حد بلوغ رسیده ام شب و روز بر من نمی گذرد مگر آنکه مراقب هستم که اگر حقی در مالم پیدا شد، فوراً آن را به موردش برسانم. سفیان نتوانست پاسخ منطقی امام (ع) را بدهد، محضر امام

را ترک گفت و به یاران و هم مسلکان خود پیوست و ماجرا را به آنها گفت، آنها تصمیم گرفتند که دسته جمعی با امام مباحثه کنند، گروهی به اتفاق آمدند و گفتند رفیق ما نتوانست خوب دلائل خودش را ذکر کند، اکنون ما آمده ایم با دلائل روشن خود، ترا محکوم سازیم. امام دلائل آنها را پرسید، آنها آیاتی را از قرآن به عنوان دلیل بر مدعای خود آوردند که امام پاسخ همه آنها را داد و سپس دلائلی از قرآن و حدیث برخلاف ادعای صوفیان اقامه نمود که صوفیان از پاسخ آنها عاجز ماندند که تفصیل این مصاحبه در روایت آمده است. خلاصه امام در پایان، این گروه صوفی را مخاطب ساخت و فرمود: «فتادبوا ایها النفر باداب الله عزوجل للمومنین و اقتصروا علی امر الله و نهیه و دعوا عنکم ما اشتبه علیکم ممّا لا علم لکم به وورود العلم الی اهله توجروا تعذروا عندالله تبارک و تعالی و کونوا فی طلب علم ناسخ القرآن من منسوخه و محکمه...» [۶] . از این راه ناصواب دست بردارید و خود را به آداب واقعی اسلام تربیت کنید از آنچه خدا امر و نهی کرده تجاوز نکنید و از پیش خود دستور نتراشید و در مسائلی که نمی دانید، مداخله نکنید، علم آن مسائل را از اهلش بخواهید، درصدد باشید که ناسخ را از منسوخ و محکم را از متشابه و حلال را از حرام باز شناسید این برای شما بهتر و آسانتر و از نادانی دورتر است، جهالت را رها کنید که طرفدار جهالت زیاد است به خلاف دانش که طرفدار کمی دارد

خداوند فرمود بالاتر از هر صاحب دانشی دانشمندی است. روایات زیادی به این مضمون وارد شده که صوفیان و ریاکاران به روش زندگی ائمه اطهار (ع) اعتراض می کردند، و پاسخهای محکمی می شنیدند، آری این نظر امام صادق (ع) درباره تصوف و بنیانگذار آن است ولی عجیب است که صوفیهای نسلهای بعد برای جلب عوام، سلسله ارشاد خود را گاهی به امامان شیعه نسبت داده و برخی از آنان را جزء مشایخ طریقت شمرده اند، درحالی که نیاکانشان درحال حیات ائمه اطهار با آنان مبارزه می کردند و به شدت مورد غضب و رد و انکار آنان بودند. موقعیت امام صادق (ع) از لحاظ زهد و تقوا و علم و کمال طوری بود که صوفیان ریاکار مانند صاحبان هر مسلک باطلی، خود را ناچار می دیدند برای تحکیم موقعیت خود و فریب مردم به محضر امام صادق (ع) رفت و آمد داشته باشند. یک روز برای اعتراض به نحوه زندگی امام (ع) می رفتند و چون در مقابل منطق امام خود را عاجز می دیدند ناچار روش خود را تغییر داده برای اخذ پند و موعظه به حضور امام می رفتند و به هر حال امام (ع) از پند و نصیحت آنان کوتاهی نمی کرد و سعی می کرد عجب و غرور آنان را بشکند. داود طائی (م ۱۶۵) از صوفیان و زاهدان معروف است، نزد امام جعفر صادق (ع) می رود و از وی می خواهد که او را پند دهد. گفت ای پسر رسول خدا مرا پندی ده که دلم سیاه شده است. گفت: یا ابا سلیمان تو زاهد زمانه ایی ترا به

پند من چه حاجت؟! گفت: ای فرزند پیامبر! شما را بر همه خلائق فضل است و پند دادن همه بر تو واجب. گفت: یا ابا سلیمان من از آن می ترسم که به قیامت جد من دست در من زند که چرا حق متابعت من نگزاردی؟... داود بگریست و گفت بار خدایا! آن که معجون طینت او از آب نبوت است، جدش رسول است و مادرش بتول، به دین حیرانی است، داود که باشد که به معامله خود مُعْجب شود؟ [۷] . «قشیر» گفتگوئی که میان امام جعفر صادق (ع) و شقیق بلخی (م ــ ۱۹۴) اتفاق افتاده بدین گونه آورده است: شقیق معنی فتوت را در این گفته خود می دانست اگر به ما ببخشند سپاس می گذاریم و اگر ندهند بردباری داریم امام صادق (ع) فرمود: «سگان مدینه در نزد ما به همین گونه رفتار می کنند» شقیق گفت: «ای فرزند دختر پیغمبر خدا، پس جوانمردی در نزد شما چگونه است؟» فرمود: «اگر به ما ببخشند ما به دیگران می بخشیم و اگر به ما ندهند، سپاسگزاری می کنیم» [۸] . عطار این گفتگو را میان ابراهیم ادهم و شقیق بلخی آورده است [۹] . عطار می گوید نقل است که جعفر صادق (ع) مدتی خلوت گرفت و بیرون نیامد سفیان ثوری به در خانه وی آمد و گفت مردمان از فوائد انفاس تو محروم اند، چرا عزلت گرفته ای؟ صادق (ع) جواب داد که اکنون چنین روی دارد فسد الزّمان و تغّییر الاخوان و این دو بیت بخواند: «ذهب الوفاء ذهاب امس الذاهب و الناس بین مخایل و مآب یغشون بینهم الموده و الوفا

و قلوبهم محشوه بعقارب» [۱۰] . بالاخره معلوم نیست متصوفه خود را به آن امام از آن جهت پیوستگی میدهند که وی را یکی از مشایخ خود می دانند، یا از آن نظر که وی امام شیعیان و پیشوای آنان است و مقامش در تشیع آشکار می باشد؟ عطار در تذکره الاولیاء این معنی را آشکار ساخته و مقام امام جعفر صادق (ع) را روشن کرده است: عطار با وصف حال حضرت صادق (ع) در آغاز کتابش به آن حسن مطلع و با ذکر شرح حال امام باقر (ع) در پایان، به آن حسن ختام بخشیده است، او در آغاز شرح و وصف حال حضرت صادق (ع) چنین گوید: آن سلطان ملت مصطفوی آن برهان حجت نبوی، آن عامل صدیق، آن عالم تحقیق آن میوه دل اولیاء آن جگر گوشه انبیاء آن ناقد علی، آن وارث نبی، آن عارف عاشق، جعفر الصادق (ع) رضی الله عنه، گفته بودیم که اگر ذکر انبیاء و صحابه و اهل بیت کنیم کتابی جداگانه باید ساخت، این کتاب شرح اولیاست که بعد از ایشان بوده است و چون از اهل بیت بود و سخن طریقت، او بیشتر گفته است و روایت از وی بیشتر آمده است کلمه چند از آن او بیاوریم، که ایشان همه یکی اند، چون ذکر او کرده اند ذکر همه بود، نه بینی قومی که مذهب او دارند، مذهب دوازده امام دارند؟ یعنی یکی دوازده است و دوازده یکی، اگر تنها صفت او گویم، به زبان و عبارت من راست نیاید که در جمله علوم و اشارات و عبارات بی تکلف به کمال بود و

قـدوه جمله مشایخ بود و اعتماد همه بر وی بود، و مقتدای مطلق بود هم الهیان را شـیخ بود، و هم محمدیان را امام و اهل ذوق را پیشـرو، و هم اهـل عشق را پیشوا، و هم عباد را مقـدم، هم زهاد را مکرم هم صاحب تصـنیف حقایق هم در لطایف تفسـیر و اسـرار تنزیل بی نظیر بود و از باقر رضـی الله عنه بسـیار سخن نقل کرده است و عجب دارم از آن قوم که ایشان خیال بندند که اهل بیت و جماعت را با اهل بیت چیزی در راه است که اهل سنت و جماعت اهل بیت را، باید گفت به حقیقت و من آن نمی دانم که کسـی در خیال باطل مانـده است، آن می دانم که هر که به محمّـد ایمان دارد و به فرزنـدان او نـدارد به محّمـد ایمان ندارد، تا حدی که شافعی در دوستی اهل بیت تا به حدی بوده که به رفضـش نسبت کردند و محبوس کردند و او در آن معنی شعری گفته است و یک بیت این است: لو کان رفضاً حبّ آل محّمد فلیشـهد الثّقلان انّی رافض [۱۱] . به هر حال صوفیه برای اینکه از وجهه و موقعیت امام صادق (ع) به نفع خود استفاده کنند، امثال سفیان ثوری، داود طائی، و شقیق بلخی را از نزدیکان امام صادق (ع) معرفی کرده اند و سخنانی از آن حضرت در رابطه با زهد و تقوا بیان داشته اند و این نهایت بی شرمی این قشر صوفی را می رساند که امامان شیعه با وجود اینکه به شدت مخالف این مسلک بودند و به آن

به چشم یک بدعت دینی نگاه می کردند، آنان را طرفدار این بدعت نشان داده اند زهی بی شرمی و ذهی بی حیائی؟!

## پاورقی

[۱] جامی، نفحات الانس، ص ۳۱.

[۲] طرائق الحقائق ص ۱۰۱ ج۱.

[۳] جامی، نفحات الانس، ص ۳۱.

[۴] حر عاملی، الاثنا عشریه، ص۳۲، اردبیلی، حدیقه الشیعه ص۵۶۴.

[۵] قمی، سفینه البحار ج ۲ ص ۵۷.

[۶] کلینی، فروع کافی، ج ۵ ص ۶۵_ ۷۱.

[۷] عطار، تذکره الاولیاء، ج ۱ ص ۲۱- ۲۲.

[۸] رساله قشیریه ص ۱۳۶.

[۹] عطار تذکره الاولیاء ج ۱ ص ۱۸۳. ]

[۱۰] عطار تذکره الاولیا ج ۱ ص ۲۲.

[۱۱] عطار، تذکره الاولیاء ج ۱ ص ۲۱_۲۲.

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹